

The Ruling of Shaking Hands with Female Non-Muslim Foreigners in the Arena of International Ceremonies

Mahdi Dargahi¹

Received: 05/06/2020

Accepted: 15/11/2020

Abstract

The ruling on shaking hands with female non-Muslim foreigners in the process of welcoming and escorting them in the arena of international, diplomatic, and non-diplomatic ceremonies is an issue that needs to be explored until finding a good answer, since no comprehensive and integrated research has been carried out on this field. Denying the handshake as a haram (forbidden) action by some thinkers in the field of jurisprudence, with the condition of lack of interest and pleasure, especially in international relations, considering doubt in its being haram to some scholars in the field of jurisprudence, and lack of the generality of the arguments as being haram about its ruling and topic, will double the need to question the ruling of shaking hand with female non-Muslim foreigners in the arena of common international ceremonies. In addition to the fact that some authors referred to some expediencies in the handshake and tried to crystallize the secondary title and resort to the secondary ruling of permission in the issue, the current study has been carried out with the aim of identifying the limits and boundaries of arguments for shaking hands with female non-Muslim foreigners, explaining the generality or non-generality of its ruling and subject in the process of international ceremonies, and analyzing the resort as a secondary "expediency" for permissibility of the handshake, if the first ruling as a haram action is accepted. Achieving this aim is possible by describing and analyzing jurisprudential propositions through collecting library data, the result of which is the explanation and analysis of the first and second rulings of shaking hands with female non-Muslim foreigners in the process of welcoming and escorting them in the arena of international ceremonies.

Keywords

Shaking hands, ceremonies, international interactions and relations, international custom, Imamiyah jurisprudence.

1. Assistant professor, Department of Fiqh and Usul, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
Aghigh_573@yahoo.com

حکم مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان در عرصه تشریفات بین‌الملل

مهدی درگاهی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۶

چکیده

حکم مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان در فرایند استقبال و بدرقه در عرصه تشریفات بین‌الملل، دیپلماتیک و غیردیپلماتیک، مسئله‌ای نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است، چرا که تحقیقی موسع و یکپارچه در این باره صورت نگرفته است. انکار حرمت مصافحه توسط برخی اندیشوران حوزه فقه، با قید عدم ربه و لذت، مخصوصاً در مراودات بین‌المللی، با نسبت دادن تشکیک در حرمت آن به بعضی از بزرگان عرصه فقه، به استناد عمومیت نداشتن ادله حرمت در حکم و موضوع، ضرورت پرسش از حکم مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان در عرصه تشریفات رایج بین‌المللی را مضاعف می‌کند. علاوه بر اینکه اشاره برخی نویسندگان به پاره‌ای مصلحت‌سنجی‌ها در مصافحه و سعی در تبلور عنوان ثانوی و تمسک به حکم ثانوی جواز در مسئله، باعث شد تا این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور ادله دال بر حرمت مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان و تبیین عمومیت یا عدم عمومیت حکم و موضوع آن در فرایند تشریفات بین‌المللی و تحلیل تمسک به عنوان ثانوی «مصلحت» برای تجویز مصافحه در فرض پذیرش حکم اولی حرمت انجام شده و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است که نتیجه آن، تبیین و تحلیل حکم اولی و ثانوی مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان در فرایند استقبال و بدرقه در عرصه تشریفات بین‌الملل است.

کلیدواژه‌ها

مصافحه و دست‌دادن، تشریفات، تعاملات و ارتباطات بین‌المللی، عرف بین‌الملل، فقه امامیه.

Aghigh_573@yahoo.com

۱. استادیار گروه فقه و اصول جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

* درگاهی، مهدی. (۱۳۹۹). حکم مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان در عرصه تشریفات بین‌الملل. فصلنامه علمی - پژوهشی

فقه، ۲۷ (۱۰۳)، صص ۱۱۵-۱۳۶.

Doi: 10.22081/jf.2020.57872.2064



فقه

امروزه ارتباطات به‌عنوان دانشی نوپدید، مورد توجه قرار گرفته و هر کسی که با مهارت‌های آن بیشتر آشنا باشد و آن را به کار گیرد، توفیقات افزون‌تری از زندگی اجتماعی به دست می‌آورد. این مهارت‌ها که می‌تواند کلامی و یا غیر کلامی باشد، از یک ارتباط ساده تا ارتباطی کاملاً جدی را در بر می‌گیرد. چنانچه ارتباط بین ملت‌ها در سطح بین‌الملل مدنظر باشد، این ارتباطات در قالب آداب و رسومی صورت می‌پذیرد که در عرف بین‌الملل بین نهادها، سازمان‌ها و دولت‌ها در کنفرانس‌ها، همایش‌ها و مجامع بین‌المللی در قالب سفرها، نشست‌ها، ملاقات‌ها و مذاکرات، معمول و رایج است و بی‌اعتنایی به آن در وهله اول توجیه و تفسیر ندارد و توجه در این باره و لزوم رعایت آن به‌معنای چشم‌پوشی و یا نادیده‌انگاشتن رسوم و سنت‌های ملی و مذهبی جوامع نیست؛ چه اینکه عرف بین‌الملل، حدود رعایت آن را در صلاحیت نهاد، سازمان یا دولت‌ها در عرصه بین‌الملل می‌داند تا علاوه بر توجه به عرف رایج^۱ و اصول ناشی از قرارداد اجتماعی در عرصه بین‌المللی، پروتکل‌های تشریفاتی خود را بر اساس آداب و رسوم و سنن ملی و مذهبی وضع کنند. در این بین، گزاره‌های دینی و مذهبی نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند؛ تا جایی که عمل به آداب و رسوم رایج در عرصه تعاملات و ارتباطات بین‌المللی بین نهادها، سازمان‌ها و دولت‌ها، توسط مسلمانان، در گرو سیادت آموزه‌های اسلامی است.

مطابق عرف بین‌الملل و فرهنگ همه ملت‌ها در عرصه تعاملات اجتماعی، استقبال از میهمان با مقوله سلام‌دادن، معرفی، آشنایی، خوشامدگویی، احوال‌پرسی و مصافحه کردن همراه است، تا جایی که در مراودات اجتماعی، نوع برخورد با میهمان در معرفی و آشنایی، در روحیه میهمان و قضاوت وی درباره میزبان تأثیر فراوانی دارد (یحیایی ایله‌ای و صمدی‌راد، ۱۳۹۰، ص ۷۱) و نیز طرز دست‌دادن، میزان فاصله، نوع



۱. عرف یعنی «فهم یا بنا یا داوری مستمر و ارادی مردم که صورت قانون مجعول و مشروع نزد آنها به خود نگرفته است» (علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۶۱).

نگاه، ژست و قیافه افراد در آن از اهمیت بسزایی برخوردار است (یحیایی ایله‌ای و صمدی‌راد، ۱۳۹۰، ص ۷۶).

این آداب و رسوم ناشی از قرارداد اجتماعی در عرف بین‌الملل، امروزه به صورت ساده و روان در دسترس همگان قرار گرفته است (ر.ک: بیدارمغز، ۱۳۹۶، صص ۹۱-۲۴۵؛ یحیایی ایله‌ای و صمدی‌راد، ۱۳۹۰، صص ۶۶-۷۸) و بر مکلفان عرصه تشریفات بین‌الملل لازم است که شناخت کافی درباره این قواعد اجتماعی داشته باشند؛ چه اینکه تعاملات و ارتباطات در عرصه بین‌الملل، مستلزم آگاهی و شناخت از پروتکل‌های تشریفاتی و رسوم طرف مقابل و آداب مطرح در عرف بین‌الملل است و سهل‌انگاری در یادگیری و به‌کارگیری این قواعد منجر به مخدوش شدن روابط میهمان و میزبان در همان ابتدای امر، یعنی فرایند استقبال می‌شود.

این مطلب در آداب و رسومی که عمل به آن در شرایط عادی در فقه اسلامی ممنوع دانسته شده، با حساسیت ویژه‌ای مطرح است. سؤالی که در فرایند تشریفات در هر نهاد، سازمان یا دولت اسلامی در عرصه استقبال و بدرقه مطرح می‌شود، آن است که حکم دست‌دادن با نامحرم چیست؟ این مسئله در دو فرض کلی متصور است؛ اول دست‌دادن زن مسلمان با نامحرم، و دوم دست‌دادن مرد مسلمان با نامحرم. در هر دو فرض، نامحرم ممکن است مسلمان باشد و غیرمسلمان. هرچند این فروض در حکم و ادله اشتراکاتی دارند، ولی دقت در برخی ادله موجب تمایز حکم در برخی فروض است. از آنجا که این مقاله ناظر به ابعاد بین‌المللی مسئله مذکور در مقوله تشریفات است و آنچه امروزه بیشتر مورد ابتلای هر نهاد، سازمان یا دولت اسلامی در عرصه تعاملات بین‌المللی است، فرض مصافحه مرد مسلمان با زن نامحرم و غیرمسلمان است، لذا این فرض در دو بُعد حکم اولی و ثانوی بررسی می‌شود و اصولاً طرح حکم ثانوی بعد از تحلیل حکم اولی از آن جهت است که برخی در کتب تشریفاتی به عناوینی همچون مصلحت یا ضرورت در جواز استناد کرده‌اند که شایسته دقت و تأمل و توضیح در برخی قواعد بحث است.

در ادامه، پس از تبیین مفهوم تشریفات و حکم، ضمن اشاره به اقوال فقها در مسئله،



با واکاوی ادله حرمت مصافحه و گستره دلالتی آن در حکم اولی مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان و همچنین تحلیل حکم ثانوی آن در فرض پذیرش عمومیت حرمت، سؤال مذکور جواب داده می‌شود.

۱. تبیین اصطلاحات اساسی

۱-۱. تشریفات

واژه تشریفات در عرف مردم به «آداب و رسوم در مراسم‌های خاص و مهم» (معین، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۰۸۶؛ دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۱۱، ص ۷۰۸) اطلاق می‌شود که اساس آن بر ادب بوده و به تعبیر برخی نویسندگان، در هر اجتماعی و در هر درجه‌ای از تمدن، وجود داشته و دارد (ذوالعین، ۱۳۹۳، ص ۱۵). واژگان تشریفات قبیله‌ای، تشریفات خانوادگی، تشریفات مذهبی، تشریفات ملی، تشریفات رسمی و بین‌المللی، جملگی به این معنا است. تشریفات به این معنا، تشریفات به معنای عام است که به کلیه آداب و سنن و قواعد و توافقاتها و تفاهم‌های مربوط به کلیه امور اجتماعی اطلاق می‌شود.

در مقابل این کاربرد، تشریفات معنای خاص‌تری نیز دارد که عمید در فرهنگ خود به «آداب و رسوم رایج در ارتباطات بین‌المللی بین دولت‌ها» (عمید، ۱۳۵۱، ص ۲۹۸) تعریف کرده و در فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به «مجموعه آیین و رفتار دیپلماتیک در روابط بین دولت‌ها» تعبیر شده است (حداد عادل، ۱۳۸۱، دفتر دوم، ص ۲۱۶). در توضیحی بیشتر، تشریفات خاص، دو کاربرد دارد؛ اول تشریفات دیپلماتیک که جزئی از دیپلماسی و معادل واژه «Protocol» است و گاهی با همین تعبیر (تشریفات دیپلماتیک) و گاه بدون اتصاف به واژه دیپلماتیک (تشریفات) استعمال می‌شود و به مجموعه مقرراتی اطلاق می‌شود که «در روابط بین رؤسای کشورها و نمایندگان دولت‌ها و دیپلمات‌ها و بین وزارت خارجه و نمایندگی‌های خارجی و همچنین در مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی معمول است» (ذوالعین، ۱۳۹۳، ص ۱۶).

برخی دیگر در کاربرد دوم که با کمی توسعه در تبیین مفهومی به نسبت معنای پیشین همراه است، معتقدند که تشریفات خاص به «نحوه و قالب مناسبات و مراودات



فقه

مقامات، کارمندان و کارکنان سازمان‌ها و نهادهایی که میزبان خارجی‌ها هستند یا به سفر خارج می‌روند و در یک کلام، در داخل و خارج کشور با بیگانگان ارتباط رسمی دارند و شامل حسن سلوک و نزاکت و رعایت ترتیبات، قوانین، مقررات و کنوانسیون‌های داخلی و بین‌المللی است» (بیدارمغز، ۱۳۹۱، ص ۴۳) اطلاق می‌شود.

نسبت دو کاربرد و استعمال مذکور از تشریفات خاص، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی استعمال دوم عام‌تر از استعمال و کاربرد اول است و شامل روابط غیر دیپلماتیک یک بازرگان خارجی نیز می‌شود.

در هر حال، آنچه از تشریفات مدنظر نویسنده خواهد بود، تشریفات خاص بنا بر هر دو استعمال و کاربرد آن است و مراد از آن چنین است: «مجموعه‌ای از آداب و عرف‌هایی که در سطوح بین‌المللی، برای روابط و تعامل بین دولت‌ها در نحوه برگزاری مراسم رسمی بین رؤسای کشور، و نمایندگان سیاسی و اعضای هیات‌های دیپلماتیک آنها و همچنین در کنفرانس‌ها، همایش‌ها و مجامع بین‌المللی و غیر بین‌المللی که میزبان خارجی‌ها (اعم از دیپلمات، بازرگان، جهانگرد و کارشناس) هستند، و در قالب مکاتبات، مراسلات، سفرها و نشست‌ها و ملاقات‌ها و مذاکرات اعمال می‌گردد». بنا بر تعریف مذکور، آن آداب و رسوم ممکن است در قالب قانون و مقررات نوشته و تدوین شده باشد و یا نانوشته و بر اساس حسن سلوک و نزاکت باشد؛ همان‌طور که می‌تواند اعم از مراودات دیپلماتیک بین نمایندگان رسمی کشورها باشد.

۱-۲. حکم

مراد از حکم در فقه «تشریحی است که از طرف خداوند برای منظم ساختن زندگی انسان صادر شده است» (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۳؛ ج ۲، ص ۱۲). و «حکم ثانوی» حکمی است که شارع آن را با نظر به حالت خاص و استثنایی جعل می‌کند، در مقابل «حکم اولی» که نظر به مصالح و مفاسد خود موضوع جعل شده است (ر.ک: حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۵۳ به بعد). اصولاً یکی از امتیازات فقه امامیه در مقایسه با مذاهب فقهی دیگر، شناسایی حکم ثانوی در طول حکم اولی است. این حکم شرعی، واقعی، موقت و تنها شامل





کسانی است که در موقعیت استثنایی قرار می‌گیرند (ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۱۱؛ خمینی، ۱۴۱۸ق الف، ج ۲، ص ۳۲۴؛ صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۷۳). عناوینی همچون اکراه، اضطراب، عسر و حرج، ضرر و اضرار، تقیه و نذر از عناوینی بوده که موجب جریان حکم ثانوی می‌شود، اما حقیقت آن است که حکم ثانوی منحصر در این عناوین نیست، بلکه عنوانی مثل «مصلحت حفظ نظام»^۱ را نیز شامل است.

۲. دیدگاه فقها در مسئله

مطابق فتوای مشهور نزد فقهای مذهب جعفری (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۶۸؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۵۰)، دست‌دادن با نامحرم جایز نیست، مگر آنکه چیزی حایل و حجاب گردد و قصد سوئی در آن نباشد.^۲

عدم تفصیل بین دست‌دادن با نامحرم مسلمان یا غیرمسلمان در بیان فتوای مذکور، حاکی از عمومیت حکم حرمت دست‌دادن حتی با زن غیرمسلمان نزد آنان است، تا جایی که بعضی در کتب استدلالی خود در مقام شرح و تبیین فتوای مذکور، بر آن تصریح می‌کنند (خمینی، ۱۴۱۸ق ب، ج ۲، ص ۴۰۷؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۷). در مقابل، برخی معتقدند همان‌طور که در مسئله نگاه کردن به اجنبیه غیرمسلمان،

۱. عقل و فطرت سلیم، مراعات مصالح عمومی جامعه را لازم و ضروری می‌داند؛ بنابراین صیانت و حفاظت از مصالح نظام لازم است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۹۸) و بنابر تلازم حکم عقل و شرع (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع) همچنین واجب شرعی است. واژه نظام در فقه اسلامی به معانی «سامان‌داشتن زندگی و معیشت مردم»، «کیان کشور اسلامی»، «حکومت یا رژیم سیاسی موجود» و «خرده‌نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی» و «نظام‌الملله» و «بیضه اسلام» آمده است (ر.ک: ملک‌افضلی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۱، صص ۱۳۳-۱۲۹). در این تحقیق، مراد از نظام اسلامی، «کیان کشور اسلامی» و مقصود از نظام اسلام، نظام‌الملله و بیضه اسلام است.

۲. «جایز نیست برای مرد که مس کند بدن زن نامحرم را حتی دست و صورت او را مگر آنکه از روی دستکش و پارچه باشد، به شرط آنکه قصد سوئی نداشته باشد و دست زن را فشار ندهد، و همچنین است مس کردن زن، مرد نامحرم را...» (خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۲۹، سؤال ۳۶ و ۳۷). فقهایی که بر متن فتاوی امام خمینی در «توضیح المسائل» حاشیه دارند، جملگی متن مذکور را قبول داشته و حاشیه‌ای نگاشته‌اند.

نظر کردن به سر و موی او بدون ریبه و لذت منعی ندارد، در سلام و احوال‌پرسی بدون ریبه با او نیز منعی برای دست‌دادن وجود ندارد.

مطابق ذیل نقل قولی از مرحوم آیت‌الله بروجردی، ایشان از جمله کسانی بوده‌اند که در شمول حکم حرمت دست‌دادن به اجنبیه غیرمسلمان اشکال داشته‌اند. سید جواد علوی طباطبایی، نوه مرحوم آیت‌الله بروجردی، در گفتگو با مسئولان مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، در این راستا مطالبی بیان کرده‌اند که عیناً نقل می‌شود:

مرحوم آقای منتظری به بنده می‌گفتند: «در محضر آیت‌الله بروجردی نشسته بودم. یکی از محققان ایرانی که در مرکز اسلامی آلمان فعالیت می‌کرد، خدمت ایشان آمد و گفت: "در آلمان زنان و مردان مختلفی که همه آنها مسلمان هم نیستند، به مرکز اسلامی ما می‌آیند و گاهی از اوقات برخی از این زنان دستشان را برای مصافحه به سوی ما دراز می‌کنند و ما نمی‌توانیم دست بدهیم. آنها نمی‌فهمند که چرا ما دست نمی‌دهیم و این مسئله موجب هتک آنها می‌شود و ما که می‌خواهیم جاذبه ایجاد کنیم، با این کار تنفر ایجاد می‌کنیم." آیت‌الله بروجردی گفتند: "اگر شما احساس می‌کنید که دست‌ندادن شما باعث هتک می‌شود، مانعی ندارد که دست بدهید." بعد فرمودند: "حکم حرمت دست‌دادن با زن اجنبیه، برای حفظ حرمت اشخاص، هر چند مسلمان نباشند، ساقط می‌شود." آقای منتظری همچنین نقل می‌کردند که شیخ محمدتقی قمی که در مصر فعالیت می‌کردند، خدمت آیت‌الله بروجردی آمدند و گفتند: "گاهی از اوقات برخی از سفارتخانه‌ها مثل سفارت هلند به مناسبت روز ملی‌شان که همه سفرا و شخصیت‌های مختلف را دعوت می‌کنند، ما را هم به‌عنوان نماینده شما در مجلس تقریب دعوت می‌کنند. ما هم دسته گل می‌خریم و به سفارت می‌رویم. گاهی از اوقات سفیر می‌خواهد مثلاً سفیر آمریکا و همسرش را که همراه او است معرفی کند، آنها هم دستشان را دراز می‌کنند که دست بدهند، ما چه کار کنیم؟ اگر دست ندهیم موجب هتک آنها می‌شود." آیت‌الله بروجردی فرمودند: "اگر موجب هتک می‌شود، اشکالی ندارد؛ دست





بدهید.» آقای منتظری گفتند: «بعد آقای بروجردی فرمودند: "من تعجب می‌کنم که فقهای ما ادله نظر [به اجنبیه] را حمل کردند به صورت ریه؛ چرا در ادله لمس این انصراف را قائل نشدند؟"» (وبسایت پایگاه خبری تحلیلی پارسینه، ۱۲ آبان ۱۳۹۲).

از این سخن به دست می‌آید که دیدگاه آیت‌الله بروجردی نه فقط به دلیل مسئله هتک و حکم ثانوی است، بلکه اساساً در حکم اولی حرمت اشکال دارند. این نسبت فتوایی و اصولاً این مسئله، علی‌رغم تتبع بسیار در منابع فقهی برجای مانده از محقق بروجردی یافت نشد.

همچنین از منبع مذکور نقل شده که برخی به امام موسی صدر خرده می‌گرفته‌اند که چرا در اروپا با خانم‌هایی که به سوی ایشان دست خود را دراز می‌کردند، دست می‌دادند. ایشان در پاسخ گفته‌اند: «آیت‌الله بروجردی هم بر این کار اشکال نمی‌گرفتند...» (وبسایت پایگاه خبری تحلیلی پارسینه، ۱۲ آبان ۱۳۹۲).

اشکال مذکور بر عمومیت حکم عدم جواز مصافحه با نامحرم باعث شد تا برخی شاگردان مرحوم آیت‌الله بروجردی نظر استاد خود را تقویت کرده و خود با این عبارت به آن فتوا دهند: «دست دادن با عدم قصد التذاذ و عدم حصول آن مانعی ندارد و عرف محل ملاک آن است» (منتظری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۳۲).

۳. واکاوی ادله حرمت مصافحه با اجنبیه و گستره دلالتی آن

در باب مصافحه و دست دادن با زنان، دو روایت معتبر در مجامع روایی نقل شده است:

۱. [محمد بن یعقوب عن] عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مَصَافِحَةِ الرَّجُلِ الْمَرْأَةَ قَالَ عليه السلام لَا يَجِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَصَافِحَ الْمَرْأَةَ إِلَّا امْرَأَةً يَحْرُمُ عَلَيْهِ أَنْ يَتَرَوَّجَهَا أُخْتٌ أَوْ بِنْتُ أَوْ عَمَّةٌ أَوْ خَالَئَةٌ أَوْ ابْنَةُ أُخْتٍ أَوْ نَحْوَهَا فَأَمَّا الْمَرْأَةُ الَّتِي يَجِلُّ لَهَا أَنْ يَتَرَوَّجَهَا فَلَا يَصَافِحُهَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ الثُّوبِ وَ لَا يَغْمِزُ كَفَّهَا؛ سماعه گوید: «از امام صادق عليه السلام درباره دست دادن مرد با زن سؤال کردم. امام عليه السلام فرمود: "دست دادن مرد با زن

جایز نیست؛ مگر با زنی که ازدواج با او حرام است: خواهر یا دختر یا عمه یا خاله ... و اما با زنی که ازدواج با او حلال است، نباید مرد با آن زن دست دهد؛ مگر از روی لباس، و دست او را هم فشار ندهد" (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۵، حدیث ۱).

۲. «[محمد بن یعقوب عن] عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْحَرَّازِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ هَلْ يَصَافِحُ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لَيْسَتْ بِذِي مَحْرَمٍ فَقَالَ لَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ الثُّوبِ؛ ابوبصیر گوید: «خدمت امام صادق ﷺ عرض کردم: "آیا جایز است مرد با زن نامحرم دست دهد؟"، امام ﷺ فرمود: "خیر، مگر از روی لباس"» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۵، حدیث ۲).

در تعبیر «لا یغمر کفها» در روایت اول، دو احتمال وجود دارد؛ احتمال اول آن است که از روی شهوت باشد، چون «غمز کف» منصرف به مسئله تلذذ است و احتمال هم دارد که مراد از آن مطلق باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۳).

در هر حال مطابق فهم برخی صاحب نظران، موضوع در حکم حرمت دست دادن در روایت ابوبصیر (روایت دوم)، زنی است که «ذات محرم نیست»^۱ و در موثق سماعة (روایت اول)، زنی است که «ازدواج با او حلال است»^۲. با کنار هم گذاشتن دو موضوع مذکور و مخصوصاً با عنایت به مدلول واژه «ذات محرم»، فهم عرفی آن است که ذات محرم یعنی کسی که ازدواج با او حرام است و غیر ذات محرم یعنی کسی که ازدواج با او حلال است (مؤمن، ۱۴۲۲ق، ص ۱۹۳).^۳

بر این اساس، موضوع حکم حرمت دست دادن با اجنبیه، زنانی هستند که ازدواج با آنان حلال باشد و هر زنی که ازدواج با او حلال باشد، دست دادن به او حرام است. به عبارت دیگر، حکم حرمت دست دادن بر موضوع کلی «زنانی که ازدواج با آنها حلال

۱. «... هَلْ يَصَافِحُ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لَيْسَتْ بِذِي مَحْرَمٍ فَقَالَ لَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ الثُّوبِ».

۲. «... فَأَمَّا الْمَرْأَةُ الَّتِي يَجِلُّ لَهَا أَنْ يَتَرَوَّجَهَا فَلَا يَصَافِحُهَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ الثُّوبِ وَلَا يَغْمُرُ كَفَّهَا».

۳. «فمن انضمم أحدهما بالآخر ولا سيما مع النظر إلى مدلول كلمتي "ذات محرم" يفهم عرفاً من دون إشكال: أن ذات محرم هي من يحرم نكاحها من النساء».





است» جعل شده و هر زنی که مصداق موضوع مذکور باشد، مشمول حکم حرمت است؛ و چون زنان غیرمسلمان، مخصوصاً غیر اهل کتاب، از دائره موضوع ذکر شده خارج هستند، حرمتی که از روایات مذکور استفاده شده، شامل آنها نمی‌شود. البته پرواضح است که این حکم درباره امثال «خواهرزن»، با توجه به ادله دیگر، تخصیص می‌خورد و خللی در فهم مذکور از این دو روایت ایجاد نمی‌کند.

گویا عنایت به همین مطلب باعث شده تا برخی صاحب‌نظران عرصه فقه، به ادله دیگری برای اثبات حرمت دست‌دادن با زنان غیرمسلمان روی آورند. مثلاً برخی با این استدلال که «دست‌دادن با زنان اهل کتاب یکی از بارزترین مصادیق تولی و یکی از روشن‌ترین علامت‌های اعلان مودت و احترام به آنها است و روشن است که تولی کفار و احترام و القاء مودت به آنها در قالب دست‌دادن از اعظم محرمات است» (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۶)،^۱ به حرمت دست‌دادن با زنان غیرمسلمان فتوا می‌دهند.

شایسته ذکر است که اثبات حکم حرمت دست‌دادن با آنان، با استناد به اجماع یا شهرت فتوایی یا سیره قطعی متشرعه (ر.ک: حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۵۰)، از جهت اثبات صغرای اجماع و شهرت با تشکیک همراه است؛ چه اینکه نقل اجماع یا شهرت از علمای متأخر است و تحصیل آن نیز با توجه به انعکاس فتاوی‌ای عده کمی از فقهای متقدم ممکن نیست و ادعای سیره متشرعه نیز نیازمند اثبات اتصال آن تا به عصر معصوم است و در منابع محملی برای ابرام آن یافت نمی‌شود.

البته تسالم فقها در فهم حرمت از دو روایت مذکور درباره زنان غیرمسلمان که با شهرت و اجماع منقول تأیید می‌شود، با تمام اختلافاتشان در مبانی اخذ و تحلیل حدیث، بهترین دلیل برای اثبات عمومیت حرمت مصافحه در مسئله حاضر و غیر از استناد به شهرت و اجماع است.

همان‌طور که در ذیل عنوان «دیدگاه فقها» مطرح شد، یکی از ادله قائلان مشروعیت

۱. «والوجه فی ذلك أنّ المصافحة من أبرز مصادیق التولی و أظهر علائم المودة والاحترام و من الواضح أنّ تولی الكفار و احترامهم وإلقاء المودة إليهم بالمصافحة من أعظم المحرمات.»

مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان، با پذیرش عمومیت حرمت مصافحه در موضوع مورد بحث، انصراف ادله حرمت لمس همچون مسئله نظر به قید قصد تلذذ و ریبه است. تبیین و تحلیل این دلیل، نیازمند اشاره به ادله نظر به اجنبیه و شرح و توضیح انصراف مذکور است:

مرحوم کلینی، در باب نظر به زنان اهل ذمه، با سند معتبر از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند:

«[محمد بن یعقوب عن] عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يَنْظَرَ إِلَيْهِنَّ وَ أَيْدِيَهُنَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۴).^۱

این عبارت بدین معنا است که زنان اهل ذمه برای نگاه کردن به موها و دستهایشان حرمتی ندارند. این معنا، مستلزم جواز نگاه کردن به دست و موی آنان و به تبع صورت و گردن آنان است و ذکر عدم حرمت (احترام) آنان (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۵۰) به مثابه علت یا حکمت حکم جواز نگاه (طباطبایی، ۱۴۲۶ق، ج ۹، ص ۵۶۲؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۹۸؛ سیفی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸) نشان می‌دهد که چنین حکمی را می‌توان به سایر کفار اعم از ذمی و غیرذمی (اهل کتاب یا غیر اهل کتاب) نیز تعمیم داد؛ چون وقتی حرمت زنان اهل ذمه مطابق روایت مذکور ساقط و نگاه به دست و موی آنان جایز دانسته می‌شود، درباره سایر کفار به طریق اولی می‌توان قائل به جواز شد؛ زیرا میان غیرمسلمانان، اهل ذمه به سبب عقد ذمه از حرمت بیشتری برخوردار است.

با ذکر مقدمه مذکور، مدلول روایت در اثبات جواز نگاه به اجنبیه غیرمسلمان، نسبت به قصد لذت و ریبه و عدم آن مطلق است، ولی این اطلاق در پرتو شهرت و بلکه تسالم فقها، با تمام اختلافات در مبانی اخذ حدیث، مقید به عدم قصد ریبه و لذت در نگاه به مو و سر زنان غیرمسلمان شده است (ایروانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۱۳).

۱. همچنین بنگرید: صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۰۰، حدیث ۱۴۳۸؛ صدوق، بی‌تا، ص ۵۶۵، حدیث ۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۴۹، باب ۱۱۳، من أبواب مقدمات النکاح، حدیث ۱.





این تقیید در بیان فتوا، علی‌رغم اطلاق دلیل در مسئله نگاه، باعث می‌شود تا برخی همچون محقق بروجردی (با پذیرش انتساب نقل قول مذکور)، در فرض قبول اطلاق و شمولیت حکم حرمت دست‌دادن به تمام زنان غیرمسلمان، احتمال تقیید آن به صورت ریه و لذت را مطرح کنند؛ به این بیان که دست‌دادن با زنان غیرمسلمان بدون قصد ریه و لذت معنی ندارد و اطلاق ادله منصرف از آن است و نیازی به طرح حکم ثانوی از باب ضرورت و مصلحت و امثال آن نیست، هم‌چنان که فتوای شاگرد محقق بروجردی بر آن تصریح داشت.

روشن است که منصرف دانستن اطلاق ادله مصافحه به قید مذکور نیازمند دلیل است و با صرف احتمال ثابت نمی‌شود. به عبارت دیگر، فارق در مسئله نظر و مصافحه، همان تسالم فقها است که در مسئله نظر، اطلاق ادله بر قصد ریه و لذت منصرف دانسته شده، ولی در باب مصافحه، همان‌طور که در نقل کلام مرحوم سید بروجردی آمده است، چنین تسالمی وجود ندارد.

نتیجه آنکه حرمت مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان مخصوصاً غیر اهل کتاب عمومیت دارد.

۴. تحلیل حکم مصافحه در فرض پذیرش عمومیت ادله دالّ حرمت

عمومیت حرمت مصافحه با اجنبیه در پروتکل تشریفاتی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌الملل نیز منعکس شده است. مشاهده برخی عملکردها در فرایند تعاملات بین‌المللی و طعنه برخی نویسندگان در کتب تشریفاتی در خلال اشاره به تشریفات رایج بین‌المللی، به مشروعیت مصافحه در پرتو استناد به عناوین مصلحت نظام و ضرورت، باعث شد تا نویسندگان با طرح حکم ثانوی، به تحلیل و ارزیابی جواز مصافحه با اجنبیه در عرصه تشریفات با تکیه بر قاعده اهم و مهم و جریان حکم ثانوی بپردازد.

شایان ذکر است که در مطالب ذیل، نسبت به اصل تقدیم اهم و جریان حکم ثانوی در فرض تحقق عنوان ثانوی تشکیک نمی‌شود، بلکه هدف، تحلیل صحیح در شناختن اهم و صدق عنوان ثانوی است.

توضیح آنکه ممکن است گفته شود در فرایند تشریفات استقبال تا بدرقه، مطابق برخی مبانی انسان‌شناختی و پندارهای عرفی و قراردادهای اجتماعی در برخی جوامع، عمل یا رفتاری از سوی میهمان یا میزبان، می‌تواند مخلّ کرامت و شرافت انسانی دانسته شود؛ مثلاً میهمان در فرایند سلام و احوال‌پرسی، دست‌ندادن میزبان با وی را بی‌احترامی و خدشه در کرامت انسانی و هتک حرمت خود تلقی کند. پس مکلف در جمع بین دو حکم «ممنوعیت دست‌دادن با اجنبیه» و «حرام‌بودن هتک حرمت انسان» متحیر است؛ مطابق قواعد باب تزاحم و لزوم تقدیم اهم بر مهم، میزبان در فرض مذکور، باید از عملی که هتک حرمت ادعایی میهمان را در پی دارد پرهیز کند و این ممکن نیست مگر آنکه با او دست دهد. بنابراین دست‌دادن با اجنبیه در پرتو صدق عنوان هتک حرمت و عمل به قواعد باب تزاحم منعی ندارد.

با فرض پذیرش صدق هتک حرمت و حرام‌بودن آن برای غیرمؤمنان که اول کلام است (ر.ک: درگاهی، ۱۳۹۶، صص ۳۸-۴۴) می‌توان عمل نکردن به برخی آداب و رسوم تشریفاتی همچون دست‌ندادن به اجنبیه را توجیه کرد تا شائبه هتک حرمت ادعایی برطرف گردد و اصولاً «با تفهیم حکم شرعی [اسلامی، دست‌ندادن] حمل بر اسائه ادب [و هتک حرمت] نخواهد شد» (تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۹، مسئله ۱۶۰۷؛ صافی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۵۸، سؤال ۱۶۶۰). به عبارت دیگر، مسئول تشریفات، مسئله دست‌ندادن با میهمان یا میزبان خانم را در جلسات مقدماتی پیش از مراسم استقبال تا بدرقه، برای طرف مقابل توجیه می‌کند تا از بروز مسائل و مشکلات احتمالی اجتناب گردد. البته این توجیه با استناد به عرف بین‌الملل صورت می‌گیرد؛ به این بیان: ملت‌ها و دولت‌ها پذیرفته‌اند که روند تشریفات، مخصوصاً تشریفات دیپلماتیک، به معنای چشم‌پوشی یا نادیده‌انگاشتن آداب و رسوم ملی و مذهبی نیست (مهدیزاده، ۱۳۹۴، صص ۶-۷) و اصولاً اگر میزبان، نظام اسلامی باشد، مطابق عرف بین‌الملل، ورود میهمان به خاک سرزمینی میزبان نباید با نقض قوانین و مقررات میزبان و نظم عمومی آن جامعه همراه باشد؛ بنابراین دست‌ندادن با استناد به رسوم ملی و مذهبی میزبان یا میهمان کاملاً توجیه‌پذیر است.

البته برخی معتقدند از آنجا که امتناع از دست‌دادن با اجنبیه به‌عنوان میزبان یا





میهمان، موجب دلخوری، ناراحتی و یا عصبانیت طرف مقابل می‌شود و حتی موجب کدورت در تعاملات و خدشه در پیشبرد اهداف ارتباطات بین‌المللی است و در عرصه دیپلماسی به روابط دو کشور ضرر می‌زند، پس به خاطر حفظ منافع و مصالح ملی باید این موضوع، یعنی حرمت دست‌دادن با اجنبیه را نادیده بگیریم تا به روابط بین دو نهاد، سازمان یا دولت در عرصه بین‌الملل صدمه‌ای نخورد و یا تعاملات و روابط عمیق‌تر، صمیمی‌تر و محکم‌تر در راستای اهداف ملی پیش رود. آنها به مواردی اشاره می‌کنند که بعضاً نماینده، سفیر یا مسئولی از نظام اسلامی با رئیس‌جمهور یا پادشاه یا میزبان هم‌پایه در هر نهاد، سازمان و دولتی ملاقات می‌کند و با اینکه از سوی مسئولان تشریفات به مقام خارجی گوشزد شده که مقامات ایرانی با نامحرم دست نمی‌دهند، و اصولاً بعد از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، همگان از پروتکل تشریفات نظام جمهوری اسلامی در زمینه دست‌دادن با اجنبیه آگاهی لازم و کافی را دارند، ولی باز هم از سر عمد یا سهو دست خود را به سوی طرف ایرانی دراز می‌کند و امتناع طرف ایرانی از دست‌دادن با وی موجب پوزخند و یا مضحکه وی از سوی حاضران می‌شود. گاه این صحنه توسط رسانه‌های تلویزیونی نیز ثبت و منتشر گشته و گمان می‌شود به وجود آمدن چنین صحنه‌هایی طرف خارجی را عصبانی و طرف ایرانی را خجلت‌زده می‌کند (وب‌سایت خبرگزاری فارس، ۴ بهمن ۱۳۹۳) بنابراین، طرح مسئله مصلحت نظام اسلامی در تعاملات بین‌المللی در سطوح مختلف اعم از نهاد، سازمان یا دولت، ایجاب می‌کند که گاهی مطابق دیدگاه رایج در تشریفات استقبال تا بدرقه عمل شود تا اهداف والای نظام اسلامی در عرصه تعاملات بین‌الملل از جهت عمل نکردن به برخی آداب و رسوم مخدوش نگردد؛ یعنی در آدابی مثل دست‌دادن باید مصلحت تعامل نظام اسلامی با دیگران مدنظر قرار گیرد و سیادت آموزه‌های اسلامی در قالب عمل به حکم ثانوی در فرض مصلحت محفوظ خواهد بود.

البته تقریب مذکور شایسته دقت و تأمل و توضیح در برخی قواعد بحث است. حفظ مصالح نظام اسلامی از عناوین ثانویه‌ای است که با ایجاد حکم ثانوی به نقض برخی احکام اولیه اسلامی در حیطه تحقق همان عنوان ثانوی مشروعیت می‌بخشد؛ با این حال

تشخیص این مصالح باید بر پایه اصول و ضوابطی به منزله چهارچوب نظری و خط‌مشی استوار باشد تا با ضابطه‌مندی سنج‌های تشخیص مصالح نظام، از اقدامات خودسرانه احتمالی در عرصه تشریفات جلوگیری شده و هیچ‌گاه به بهانه مصلحت نظام اسلامی، زمینه‌ای برای اختلال نظام اسلامی ایجاد نشود. به عبارت دیگر، سیادت تعالیم و آموزه‌های اسلامی و عمل مطابق آن، باید از سیاست‌زدگی و اعمال سلیقه‌های شخصی و حزبی در مسیر مصلحت‌اندیشی‌های فردی و گروهی بر حذر باشد. حال اگر عمل به مصالح کشف‌شده، مستلزم نقض یا تعطیل برخی آموزه‌های الزامی اسلامی باشد، حکم ثانوی در پرتو عنوان ثانوی مصلحت در فقه اسلامی به اعمال مطابق آن مصلحت مشروعیت می‌بخشد. بنابراین در عرصه تشریفات، چنان‌چه مطابق آن اصول و تشخیص داده‌شده توسط مراجع ذی‌صلاح، مصالح نظام اسلامی در فرایند استقبال و بدرقه، مستلزم تعطیل یا نقض برخی آموزه‌های اسلامی بود، عمل مذکور توسط مکلفان عرصه تشریفات، مشروع است و سیادت آموزه‌های اسلامی در قالب عمل به حکم ثانوی محفوظ خواهد بود.

توضیح بیشتر آنکه در جایی که مصلحت موجود در نقض برخی آموزه‌های اسلامی در فرایند تشریفات استقبال تا بدرقه، از مفسده آن مهم‌تر باشد، قانون «لزوم تقدیم اهم بر مهم» جاری است.^۱ معیار در تراحم میان حرمت نقض ارزش‌ها و وجود مصلحت دیگر، اهم‌بودن دلیل است (مشکینی، ۱۳۸۶، ص ۸۷). پس آنکه مهم‌تر است پیش می‌افتد (نائینی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۷۸) و در فرض اهم‌بودن لزوم حفظ مصالح نظام اسلامی، با ایجاد عنوان ثانوی، احکام اولی در پرتو عمل به احکام ثانوی نقض می‌شود. پس شکی در کبرای مسئله وجود ندارد، اما آنچه محل تأمل و دقت است، اهم‌بودن مصلحت نظام

۱. علاوه بر اسناد نقلی و روایی این قاعده (بقره، ۲۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۷۶، حدیث ۳؛ ج ۱۷، ص ۲۱۶، حدیث ۱۱)، سند عقلی این قاعده چنین است: بدون تردید تشریح و تکوین با یکدیگر رابطه دارند و آنچه در تکوین وجود دارد و مورد نظر شارع است، نمی‌تواند در تشریح منعکس نشود و تشریح و استنباط بدون لحاظ آن صورت پذیرد. پرواضح است که تفاوت مراتب مصالح و مراتب که امری تکوینی است، ملاحظه آن در تقنین، در قالب لزوم تقدیم اهم بر مهم خواهد بود.





اسلامی در عمل به برخی آداب و رسوم رایج در عرصه تشریفات استقبال تا بدرقه در تعاملات بین‌المللی با تنازل و کوتاه آمدن از ارزش‌ها و احکام الزامی اولی است. مصالح نظام اسلامی باید به حدی قطعی و حفظ آن به حدی اقوی باشد تا بنابر قاعده تقدیم اهم بر مهم، بر علو و سیادت ارزش‌ها و احکام الزامی اولی مقدم گردد. به عبارت دیگر، برخی آموزه‌هایی که نمایش‌دهنده تفاوت ظاهری اسلام با دیگر ادیان، و تقید به آن قوام‌دهنده تمایز میان مسلمان با غیرمسلمان است، به آسانی و با بهانه مصالح ادعایی در پرتو حکم ثانوی ایجاد شده، نقض نمی‌شوند. فرض کنید میهمان یا میزبان مسلمان همچون غیرمسلمان با نامحرم دست دهد، دیگر تمایز ظاهری در عرصه تعاملات برای اسلام و آموزه‌های آن باقی نمی‌ماند.^۱ پس اثبات اهم بودن در تراحم با احکام الزامی اولی، باید از قطعیت برخوردار و توسط مراجع ذیصلاح تعیین گردد. علاوه بر این، همان‌طور که گفتیم، امروزه در عرف بین‌المللی پذیرفته شده که رعایت اصول تشریفاتی به معنای چشم‌پوشی و یا نادیده‌انگاشتن آداب و رسوم و سنت‌های ملی و مذهبی نیست، و دولت‌ها در مقام عمل، بر حسب مصالح ملی و مذهبی خود از پذیرش برخی آداب و قواعد تشریفاتی مرسوم در دیگر جوامع سر باز می‌زنند (مهدیزاده، ۱۳۹۴، صص ۶-۷)؛ بنابراین می‌توان با تکیه بر آن، قواعد تشریفات استقبال تا بدرقه در ملاقات میهمان و میزبان را سنجید و مطابق سلیق و آداب و رسوم دو طرف، تنظیم و مدیریت کرد. اصولاً تجربه فعالان در عرصه تعاملات بین‌المللی، گواه این نکته است که پابندی طرف مسلمان به اصول و ارزش‌های اسلامی، به شکل بسیار واضحی احترام طرف مقابل را برانگیخته و صرف‌نظر از دین و آیین و تفاوت‌های فرهنگی، او را به تحسین و امی دارد و گویی مصلحت در تحفظ و عمل به آموزه حرمت مصافحه با اجنبیه در تمام فروض مسئله است.

۱. «... سفرای ما در نمایندگی‌های خارجی بر حفظ صددرصد تقیدات و ظواهر اسلامی نسبت به خود و خانواده‌ها و همکارانشان مراقبت کنند و این مسئله را در گزینش‌ها رعایت نمایند. به هیچ وجه در این مسئله انعطاف و نرمش نشان ندهید که قوام شخصیت شما و شخصیت دیپلماسی ما به این است» (وب سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۳۱ مرداد ۱۳۶۸).

نتیجه گیری

بررسی ادله دال بر حرمت مصافحه با اجنبیه نشان می دهد که مدلول آن تنها درباره زنان نامحرمی است که ازدواج با آنها حلال است؛ پس در ظاهر شامل زنان غیر اهل کتاب نمی شود، مگر آنکه تسالم فقها در عمومیت آن درباره تمام زنان غیرمسلمان، مستند حکم حرمت مصافحه قرار گیرد. در این میان برخی انصراف به قید تلذذ و قصد ربیه را همچون مسئله نگاه به اجنبیه غیرمسلمان مطرح کرده اند که صرف ادعا و بدون دلیل است. در فرضی که عنوان اهم و عناوین ثانوی مصلحت و ضرورت در تعاملات و ارتباطات بین المللی در فرایند استقبال و بدرقه در عرصه آداب و تشریفات مطرح شود، پرواضح است که عمل نکردن به حکم حرمت، در پرتو تقدیم حکم اهم و عمل به حکم ثانوی، نه تنها جایز بلکه لازم و واجب است؛ با این حال اهم بودن و صدق عنوان مصلحت نظام و عناوینی همچون ضرورت در این گونه مسائل محل تأمل و خدشه است و نمی توان به بهانه هتک حرمت، ضرورت و حفظ مصالح احتمالی و یا مصالح فردی در پرتو عمل به حکم ثانوی، ارزش ها و آموزه های الزامی را مخدوش کرد. والحمد لله رب العالمین.

۱۳۱



فقه

فهرست منابع

۱. انصاری، محمدامین. (۱۴۱۵ق). کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۲. ایروانی، باقر. (۱۴۲۷ق). دروس تمهیدیه فی الفقه الإستدلالی علی المذهب الجعفری. قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر.
۳. بروجردی، سید حسین. (۱۴۱۲ق). الحاشیه علی کفایة الأصول. قم: نشر انصاریان.
۴. بیدارمغز، علی محمد. (۱۳۹۱). تشریفات: راهبرد موفقیت. کاشان: انتشارات مرسل.
۵. بیدارمغز، علی محمد. (۱۳۹۶). راهبرد تشریفات در مدیریت ارتباطات. کاشان: انتشارات مرسل.
۶. تبریزی، جواد بن علی. (بی تا). استفتائات جدید. قم: دفتر معظم له.
۷. حائری یزدی، شیخ عبدالکریم. (۱۴۱۸ق). درر الفوائد. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۸. حداد عادل، غلامعلی و همکاران. (۱۳۸۱). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۹. حر عاملی، محمدحسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (محققان: گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت). قم: نشر مؤسسه آل‌البیت ع.
۱۰. حکیم، سید حسن طباطبایی. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دار التفسیر.
۱۱. خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۴ق). توضیح المسائل (المحشی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. خمینی، سید مصطفی. (۱۴۱۸ق «الف»). تحریرات فی الأصول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ع.
۱۳. خمینی، سید مصطفی. (۱۴۱۸ق «ب»). مستند تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ع.
۱۴. درگاهی، مهدی؛ و حسین‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). میان کنش کرامت انسانی و عملیات‌های اطلاعاتی، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، دانشگاه جامع امام حسین ع، ۶(۲۱)، صص ۳۳-۶۰.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۲). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



۱۶. ذوالعین، پرویز. (۱۳۹۳). آداب و تشریفات دیپلماتیک. تهران: نشر میزان.
۱۷. روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه السلام. قم: دار الكتاب مدرسه امام صادق علیه السلام.
۱۸. زنجانی، سید موسی. (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح. قم: مدرسه پژوهشی رأی پرواز.
۱۹. سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۴۱۷ق). دلیل تحریر الوسیلة - الستر والساتر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۰. صافی، لطف الله. (۱۴۱۷ق). جامع الأحکام. قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
۲۱. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الأصول. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۲. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). کتاب من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. صدوق، محمد بن علی. (بی تا). علل الشرائع. قم: مکتبه الداوری.
۲۴. طباطبایی، سید تقی. (۱۴۲۶ق). مبانی منهاج الصالحین. قم: منشورات قلم الشرق.
۲۵. علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). فقه و عرف. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. عمید، حسن. (۱۳۵۱). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات جاودان.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق)، الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۸. مؤمن، محمد. (۱۴۲۲ق). مبانی تحریر الوسیلة - کتاب الحدود. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. مشکینی، علی. (۱۳۸۶). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها. قم: نشر الهادی.
۳۰. معین، محمد. (۱۳۵۳). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۲. ملک فضلی اردکانی، محسن؛ حائری، محمدحسن؛ فخلعی، محمدتقی؛ و ارسطاه، محمدجواد. (۱۳۹۱). مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول. مجله فقه و اصول، ۴۸(۸۸)، صص ۱۱۹-۱۳۳.
۳۳. منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی (مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری). تهران: مؤسسه کیهان.
۳۴. منتظری، حسینعلی. (بی تا). رساله استفتائات. نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲.
۳۵. مهدیزاده، غلامرضا. (۱۳۹۴). تشریفات و روابط اجتماعی. تهران: نشر بیشه.



۳۶. نائینی، محمدحسین غروی. (۱۳۷۷). أجدود التقیرات (تقریر: سیدابوالقاسم خویی). قم: مؤسسه صاحب الأمر.

۳۷. وبسایت پایگاه خبری تحلیلی پارسینه. (۱۳۹۲). گفتگو با آیت‌الله علوی بروجردی. بازیابی شده در ۱۲ آبان ۱۳۹۲، از <https://www.parsine.com/fa/news/164151/>

۳۸. وبسایت خبرگزاری فارس. (۱۳۹۳). گفتگو با مجتبی امانی رئیس سابق دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره. بازیابی شده در ۴ بهمن ۱۳۹۳ از

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931104000240>.

۳۹. وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۳۶۸). بیانات در دیدار وزیر، مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور. بازیابی شده در ۳۱ مرداد ۱۳۶۸ از <http://www.leader.ir>

۴۰. یحیایی ایله‌ای، احمد؛ و صمدی‌راد، برات‌الله. (۱۳۹۰). اصول و آداب تشریفات. تهران: کارگزار روابط عمومی.



فقه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. al-Hurr al-amili. (1409 AH). Wasa'il al-Shi'a (Research Group of Aal Aal al-Albayt Institute, Ed.). Qom: Publishing House Institute. [In Arabic].
2. Alidoost, A. (1388 AP). Jurisprudence and custom. Tehran: Institute for Islamic Culture and Thought.
3. al-Kulayni. (1407 AH). Usul al-Kafi. Tehran: Islamic Books House.
4. al-Shaykh al-Saduq. (1413 AH). Man La Yahduruhu al-Faqih: Islamic Publications Office.
5. al-Shaykh al-Saduq. (n.d.). Ilal al-sharayi'. Qom: Judicial Library.
6. Amid, H. (1351 AP). Amid dictionary. Tehran: Javadan.
7. Ansari, M. A. (1415 AH). Book of marriage. Qom: World Congress in honor of Sheikh Azam Ansari.
8. Ayatollah Khamenei. (August 21, 1989 from). Statements in the meeting of the Minister, officials of the Ministry of Foreign Affairs and the heads of the missions of the Islamic Republic of Iran abroad. Retrieved <http://www.leader.ir>.
9. Ayatollah Khomeini. (1418 AH a). Tahrirat fi al-Usul. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
10. Ayatollah Khomeini. (1418 AH b). Tahrir al-Wasila. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
11. Ayatollah Khomeini. (1424 AH). Tawzih-Ul-Masail. Qom: Islamic Publications Office.
12. Bidarmaghz, A. M. (1391 AP). Ceremonies: Success Strategy. Kashan: Mursal Publications.
13. Bidarmaghz, A. M. (1396 AP). Ritual strategy in communication management. Kashan: Mursal Publications.
14. Boroujerdi, S. H. (1412 AH). Margin on the adequacy of the principles. Qom: Ansarian Publishing.
15. Dargahi, M., & Hosseinzadeh, H. (1396 AP). Between the act of human dignity and intelligence operations. *Security Research*, 6(21), pp. 33-60.
16. Dehkhoda, A. A. (1352 AP). Dehkhoda dictionary. Tehran: University of Tehran Press.
17. Fars News Agency website. (February 25, 2015). Interview with Mojtaba Amani, former head of the Office for the Protection of Iran's Interests in Cairo. Retrieved from <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931104000240>.
18. Gharavi Naeni, M. H. (1377 AP). Ajwad Al-Taqrirat (lectures by Sayyid Abu al-Qasim Khoi). Qom: Sahib Al-Amr Foundation.
19. Haeri Yazdi, Sheikh Abdul Karim. (1418 AH). Durar al-Fawaid. Qom: Islamic Publication Office.
20. Irvani, B. (1427 AH). Preparation lessons in argumentative jurisprudence on the Ja'fari religion. Qom: Jurisprudence Foundation for Printing and Publishing.
21. Makarem Shirazi, N. (1424 AH). Book of marriage. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (PBUH) School Publications.
22. Malek Afzali Ardakani, M., Haeri, M. H., Fakhlaei, M. T., & Arasta, M. J.



فقه

- (1391 AP). The concept of the system and its application in jurisprudence and principles. *Jurisprudence and Principles*, 48(88), pp. 119-133.
23. Mehdizadeh, Gh. (1394 AP). Ceremonies and social relations. Tehran: Bishe.
 24. Meshkini, A. (2007). Terms of principles and the greatness of research. Qom: Al-Hadi Publishing.
 25. Moein, M. (1353). Persian Dictionary. Tehran: Amirkabir.
 26. Mo'men, M. (1422 AH). Basics of Tahrir al-Wasila - the book of limits. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
 27. Montazeri, H. A. (1409 AH). Jurisprudential principles of Islamic government (M. Salavati & A. Shakoori, Trans.). Tehran: Kayhan Institute.
 28. Montazeri, H. A. (n.d.). Tawzih-Ul-Masail. Comprehensive software of Ahl al-Bayt jurisprudence.
 29. Parsineh Analytical News Website. (November 3, 2013.). Interview with Ayatollah Alavi Boroujerdi. Retrieved from <https://www.parsine.com/en/news/164151/>.
 30. Rouhani, S. S. (1412 AH). Fiqh al-Sadiq (AS). Qom: Imam Sadegh School Book Library 7.
 31. Sadr, S. M. B. (1418 AH). Lessons in the science of principles. Qom: Islamic Publication Office.
 32. Safi, L. (1417 AH). Jami' al-Ahkam. Qom: Hazrat Masoumeh Publications.
 33. Seifi Mazandarani, A. A. (1417 AH). The reason for Tahrir al-Wasila. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
 34. Shobairi Zanjani, S. M. (1419 AH). Kitab al-Nikah. Qom: Ra'y-e Parvaz Research School.
 35. Tabatabaei Hakim, S. H. (1416 AH). Mostamsak Al-Urwah al-Wuthqa. Qom: Institute of Interpretation.
 36. Tabatabaei, S. T. (1426 AH). Fundamentals of the Minhaj al-Salehin. Qom: Qalam Sharqi Publications.
 37. Tabrizi, J. (n.d.). New Estefaat. Qom: Tabrizi office.
 38. Vocabulary group. (1381 AP). Dictionary of words approved by the Academy. Tehran: Academy of Persian Language and Literature Publications.
 39. Yahyaei Ilhayi, A., & Samadi, B. (1390 AP). Principles and etiquette of rituals. Tehran: Public Relations Agent.
 40. Zol'ayn, P. (1393 AP). Diplomatic etiquette. Tehran: Mizan.

